



Challenges in the Preliminary Investigation of Murder Cases in Light of the Efficiency Principle in East Azarbaijan Province

Gholam Hassan Kooshki^{1✉}  Jafar Mohammadpourfard² 

1. Corresponding Author: Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: kooshki@atu.ac.ir
2. Ph.D Student in Criminal Law & Criminology, Self-governing Postgraduate Education Campus, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
Email: j_mohammadpourfard@atu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	In the current era, the necessity to enhance efficiency and maximize the use of limited material and human resources is undeniable in criminal policy. Given the seriousness of intentional homicide and the need for prompt preliminary investigations, optimizing the preliminary investigation process for homicide cases holds particular significance in the pursuit of criminal justice. This study aims to address the central question: what challenges hinder the efficiency of preliminary investigations in intentional homicide cases in East Azarbaijan province? Utilizing a qualitative method and interviews with 50 experts, including police detectives, forensic doctors, judges, and criminal law professors, this research identifies key challenges. The findings indicate that inefficiencies in the preliminary investigation process stem from various factors, including a lack of knowledge and expertise among criminal policymakers, poorly formulated laws, a shortage of trained and specialized personnel, inappropriate strategies and procedures, and insufficient hardware and software resources. The study concludes that if criminal policy adopts a rational and comprehensive approach, efficiency in the criminal justice system can be enhanced, public acceptance of criminal responses can be increased, and a gap between the criminal justice system and citizens' expectations can be avoided.
Article history: Manuscript Received: 28 July 2024 Final revision received: 30 December 2024 Accepted: 19 February 2025 Published online: 5 March 2025	
Keywords: <i>Challenges, Preliminary Investigation, Murder, Efficiency, Justice</i>	

Cite this article: Kooshki, Gholam Hassan; Mohammadpourfard, Jafar (2024). "Challenges in the Preliminary Investigation of Murder Cases in Light of the Efficiency Principle in East Azarbaijan Province", *Criminal Law and Criminology Studies*, 54 (2): 499-514, DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.378184.1926>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2025.378184.1926>



چالش‌های مطرح در تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی در پرتو اصل کارآمدی در استان آذربایجان شرقی

غلامحسن کوشکی^۱ | جعفر محمدپورفرد^۲

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: kooshki@atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس تحصیلات تکمیلی خودگردان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: j_mohammadpourfard@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ کلیدواژه‌ها: تحقیقات مقدماتی، چالش‌ها، عدالت، قتل عمدی، کارآمدی.	امروزه با توجه به محدودیت‌های موجود در منابع مادی و نیروی انسانی، ضرورت ارتقای کارآمدی و استفاده حداکثری از منابع موجود، امری انکارناپذیر در سیاستگذاری کیفری است. با در نظر گرفتن حساسیت بزه قتل عمدی و لزوم انجام سریع تحقیقات مقدماتی، ضرورت کارآمد ساختن فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی در جهت تحقق عدالت کیفری از اهمیتی مضاعف برخوردار است. در پژوهش حاضر سعی شده است با استفاده از روش کیفی و از طریق مصاحبه با ۵۰ شخص از افراد خبره شامل کارآگاهان پلیس آگاهی، پزشکان قانونی، قضات و استادان حقوق کیفری به این پرسش محوری پاسخ داده شود که کارآمدی فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی با چه چالش‌هایی در استان آذربایجان شرقی روبه‌روست؟ به‌عنوان برآیند تحقیق حاضر، فقدان علم و تخصص نزد سیاستگذاران کیفری، تدوین نامناسب قوانین، فقدان نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده، اتخاذ تدابیر و رویه‌های نادرست و کمبود امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، موجب ناکارآمدی فرایند تحقیقات مقدماتی بزه قتل عمدی شده است و چنانچه سیاستگذاری کیفری بر مبنای رویکرد معقول و جامع‌نگر صورت پذیرد، ضمن ارتقای کارآمدی و ایجاد مقبولیت پاسخ‌های کیفری در جامعه، از ایجاد شکاف بین نظام عدالت کیفری و خواست شهروندان جلوگیری می‌شود.

استناد: کوشکی، غلامحسن؛ محمدپورفرد، جعفر (۱۴۰۳). چالش‌های مطرح در تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی در پرتو اصل کارآمدی در استان آذربایجان شرقی، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۵۴ (۲)، ۵۱۴-۴۹۹.
DOI: <https://doi.org/10.22059/IQCLCS.2025.378184.1926>



© نویسندگان.

<https://doi.org/10.22059/IQCLCS.2025.378184.1926>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

کارامدی نظام قضایی در جوامع مدرن از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند موجب افزایش اعتماد عمومی نسبت به نظام حاکم شود. این مفهوم بیانگر توانایی نظام قضایی در انجام وظایف خود به‌صورت مؤثر و باکیفیت است که به حفظ حقوق شهروندان، حل‌وفصل اختلافات و جبران خسارت‌های ایجادشده و در نهایت تحقق عدالت به‌طور سریع، موثر و منصفانه منجر می‌شود. می‌توان گفت کارامدی ارزش کاربردی یک الگوی حکمرانی را در تحقق اهدافش نشان می‌دهد که در این بین، کارامدی نظام قضایی بخشی برجسته از بنیاد کارامدی یک حکمرانی است.

کارامد از نظر لغوی به معنی «کاردان، کارآزموده و مجرب» آمده است (معین، ۱۳۷۱: ۲۷۹۷). اما از نظر اصطلاحی، کارامدی را می‌توان به معنی حداکثر استفاده از منابع و فرصت‌های در دسترس واحدها و کارگزاران مختلف دانست، به‌نحوی که بهترین استفاده از منابع در میان مصارف مختلف صورت بگیرد (طفی، ۱۳۹۷: ۱۴۱). در تعریفی دیگر از کارامدی گفته شده: کارامدی به معنای درست انجام دادن وظیفه است و به رابطه صحیح بین ورودی و خروجی اشاره دارد. برای مثال اگر از نهاده‌های معین بازده بیشتری به‌دست آید، کارامدی افزایش پیدا کرده است (رابینز، ۱۴۰۱: ۵۲). کارامدی ابزاری است که سیستم‌ها برای دستیابی کم‌هزینه‌تر به اهداف موردنظر، با توجه به محدودیت منابع، از آن بهره می‌برند. به اعتقاد محققان مسائل سازمانی و مدیریت، برای کارآمد شدن ساده‌ترین راه این است که کوتاه‌ترین مسیر و ارزان‌ترین ابزار (وسیله) برای رسیدن به اهداف مطلوب انتخاب شود (جبارزاده، ۱۳۹۲: ۵۹).

با اینکه «کارامدی» اصطلاحی مربوط به علم اقتصاد بوده و در واقع خاستگاه آن، علم اقتصاد است، اما این مفهوم امروزه کاربرد فراگیرتری پیدا کرده و در سایر علوم اجتماعی از جمله علم حقوق نیز از آن با عنوان تحلیل اقتصادی آن علوم استفاده می‌شود؛ تحلیل اقتصادی حقوق (یا حقوق و اقتصاد) علم نسبتاً نوپایی است که کارامدی اقتصادی را به عنوان هدف و پارامتر اصلی قواعد حقوقی در نظر می‌گیرد. رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق، با نگاهی متفاوت‌تر از رویکرد سنتی، حقوق را با منطق اقتصادی بررسی می‌کند و بدین‌نحو فهم حقوقی را تعالی می‌بخشد و تکمیل می‌کند. در این رویکرد «کارایی» مفهومی بنیادی است که اساس بررسی و تحلیل‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. تحلیلگران اقتصادی حقوق در پی یافتن راه‌های کارامدی حقوق هستند، به‌نحوی که با کمترین هزینه بیشترین مطلوبیت حاصل شود (بابایی، ۱۳۸۶: ۴۱).

مرحله تحقیقات مقدماتی به عنوان یکی از مراحل مهم و سرنوشت‌ساز در فرایند دادرسی کیفری، نقش بسزایی در کشف حقیقت دارد؛ چراکه به‌طور معمول مدت زیادی بین زمان وقوع جرم و شروع تحقیقات وجود نداشته و دلایل و آثار جرم از بین رفته و این احتمال وجود دارد که متهم هنوز متواری نشده یا برای رهایی از مجازات با شرکا و معاونین خود دست به تبانی نزده است (خالقی، ۱۴۰۳: ۱۷۷). طولانی شدن فرایند تحقیقات مقدماتی می‌تواند موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم و فراموشی جزئیات واقعه توسط شهود و بعضاً امتناع ایشان از ادای شهادت شود و کشف حقیقت را دشوار و یا حتی غیرممکن سازد. از همین روست که در مواد ۳۵، ۹۴ و ۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری بر لزوم انجام سریع تحقیقات مقدماتی تأکید شده است. بنابراین، ارتقای کارامدی فرایند تحقیقات مقدماتی امری گریزناپذیر است. ناگفته پیداست که این ضرورت در بزه‌های مهمی همچون قتل عمدی، که بازتاب وسیعی در سطح جامعه دارد و نظم و امنیت جامعه را متزلزل می‌سازد، نمود بسیار بیشتری داشته و اهمیت کارآمد ساختن فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی را دوچندان می‌کند.

در این زمینه پرسش محوری نوشتار حاضر از این قرار است: کارامدی فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمد در استان آذربایجان شرقی با چه چالش‌هایی مواجه است؟ افزون بر این سؤال

پیرامونی این است: آیا تعارضی بین عدالت و کارآمدی وجود دارد؟ فرضیه پژوهش حاضر بر این اساس است که در فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی در استان آذربایجان شرقی چالش‌های متعددی در حوزه‌های مدیریت، نیروی انسانی، امکانات، رویه‌های موجود و قوانین موضوعه، وجود دارد و هدف پژوهش، شناسایی این چالش‌ها و ارائه راهکارهایی جهت رفع آن است. در ضمن نوآوری پژوهش حاضر در استفاده از روش تحقیق متفاوت و بررسی چالش‌ها به شیوه‌ای عینی و ملموس است.

روش تحقیق در پژوهش حاضر به صورت کیفی است؛ بدین نحو که از طریق مصاحبه با افراد خبره، داده‌های مورد نیاز گردآوری شده و سپس با تحلیل داده‌ها نسبت به شناسایی چالش‌های فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی در استان آذربایجان شرقی اقدام شده است. جامعه نمونه در بخش مصاحبه عبارت‌اند از ۱. کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی و افسران اداره تشخیص هویت، ۲. پزشکان قانونی شاغل در سالن تشریح استادان حقوق کیفری؛ ۳. قضات رسیدگی‌کننده به پرونده‌های قتل عمدی (اعم از بازپرسان، قضات دادگاه‌های کیفری یک و قضات دیوان عالی کشور)، ۴. استادان حقوق کیفری. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و غیرتصادفی بوده و فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به حد اشباع نظری ادامه یافته است. منظور از اشباع نظری، رسیدن به حدی است که افراد نمونه، دیگر چیزی به داده‌ها اضافه نکنند (حربری، ۱۳۹۶: ۱۴۰). در این زمینه در مجموع با پنجاه نفر خبره شامل ۱۸ قاضی (۳ قاضی دیوان عالی کشور، ۵ قاضی محاکم کیفری یک و ۱۰ بازپرس)، ۲۰ افسر پلیس آگاهی، ۶ پزشک قانونی و ۶ استاد دانشگاه، در بازه زمانی حدوداً پنج‌ماهه (تیر تا آبان ۱۴۰۲)، مصاحبه شده است. مصاحبه‌ها نیز اغلب به صورت حضوری و بعضاً، با توجه به بُعد مسافت، به صورت تلفنی بوده و میانگین مدت مصاحبه‌ها ۴۲ دقیقه است.

در پژوهش حاضر، برای تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه از روش تحلیل ساختاری استفاده شده است. در این روش با استفاده از کدگذاری و دسته‌بندی متن، اجزای ساختاری متن نوشتاری مصاحبه، یعنی واژه‌ها، مفاهیم و ارتباط میان آنها بر حسب میزان تکرار و تعداد واژه‌ها و الفاظ و اصطلاحات به کاررفته در جمله‌ها بررسی می‌شود تا الگوهای موجود در گفته‌ها کشف شود (کریمی و نصر، ۱۳۹۲: ۷۷). کدگذاری داده‌های کیفی به معنی تنظیم داده‌های خام در یک چارچوب مفهومی بر اساس یک مجموعه داده با مفاهیم مشترک در قالب یک کد است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱۶). با توجه به توضیحات مذکور و به منظور تحلیل داده‌های مصاحبه در این پژوهش، ابتدا برای هریک از داده‌های مندرج در متن مصاحبه‌ها یک کد عددی اختصاص یافته و سپس برای داده‌های مشابه، یک کد مفهومی (عنوان) انتخاب شده است. در نهایت، در مجموع ۳۶۱ کد عددی از متن مصاحبه‌ها استخراج شد که با توجه به تشابهات موجود بین داده‌ها، ذیل ۴۰ عنوان کدگذاری شده و سپس با توجه به نوع و ماهیت چالش‌ها و تناسب و ارتباط موضوعی بین آنها، به طبقه‌بندی چالش‌ها اقدام شده است.

این پژوهش در دو قسمت نگارش یافته است: در قسمت نخست ضمن تبیین شاخصه‌های کارآمدی فرایند تحقیقات مقدماتی بزه قتل عمدی، تلاش می‌شود ارتباط کارآمدی با عدالت کیفری تحلیل شود و در قسمت دوم به تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه پرداخته شده و عواملی که کارآمدی فرایند تحقیقات مقدماتی را با چالش روبه‌رو می‌سازد، شناسایی و طبقه‌بندی شده است.

۲. مبانی نظری در پرتو اصل کارامدی

۲.۱. شاخصه‌های کارامدی فرایند تحقیقات مقدماتی بزه قتل عمدی

با توجه به تعریف ارائه‌شده از کارامدی در علم اقتصاد، می‌توان کارامدی فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی را با دو شاخص ارزیابی کرد: ۱) کاهش مدت زمان تحقیقات و ۲) کاهش هزینه‌های تحقیقات.

۲.۱.۱. کاهش مدت زمان تحقیقات (انجام تحقیقات در کوتاه‌ترین زمان ممکن)

یکی از شاخصه‌های کارامدی فرایند تحقیقات مقدماتی، کاهش مدت زمان تحقیقات است. سرعت در انجام تحقیقات مقدماتی از چند حیث واجد اهمیت است: **نخست**، حقوق متهم اقتضا می‌کند که در کوتاه‌ترین زمان ممکن به اتهام وی رسیدگی و اتخاذ تصمیم شود. اهمیت این قضیه تا حدی است که در اسناد بین‌المللی در قالب ضابطه «مهلت معقول» مورد توجه قرار گرفته است؛ **دوم**، انجام سریع تحقیقات به سود بزه‌دیده نیز است؛ چراکه موجب تسریع در جبران ضرر و زیان وارده و نیز جلوگیری از امحای آثار و ادله جرم می‌شود؛ **سوم**، از حیث حقوق جامعه نیز این موضوع اهمیت دارد و موجب ارتقای حس امنیت و عدالت در جامعه می‌شود (کوشکی، ۱۴۰۱: ۳۳۳).

بدیهی است که ضرورت انجام سریع تحقیقات، در فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی دوچندان است؛ چراکه بازرسی سریع صحنه جنایت، جمع‌آوری ادله جرم در کوتاه‌ترین زمان ممکن و شناسایی و دستگیری سریع متهم یا متهمان، به‌نجو آشکاری در فرایند دادرسی و جلوگیری از انحراف مسیر پرونده و کشف حقیقت تأثیرگذار است. توضیح این نکته ضروری است که در پژوهش حاضر سعی نشده بازه زمانی مشخصی، به‌عنوان مدت استاندارد، برای انجام تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی مشخص شود، بلکه هدف این است که با شناسایی چالش‌ها، راهکارهایی در جهت ارتقای کارامدی نظام قضایی در این بخش و کم کردن مدت تحقیقات تا حد امکان، ارائه شود؛ به‌نحوی که تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت گیرد.

۲.۱.۲. کاهش هزینه‌های تحقیقات (انجام تحقیقات با کمترین هزینه ممکن)

پیشتر گفته شد که شاخصه مهم کارامدی در علم اقتصاد عبارت است از کاهش هزینه‌های تولید. این موضوع در خصوص کارامدی فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی نیز صادق است. به‌عبارت دیگر، هر اقدامی که به کاهش هزینه‌های مادی یا هزینه‌های اجتماعی (افزایش اعتماد و رضایت‌مندی عمومی) منجر شود، می‌تواند موجب ارتقای کارامدی دستگاه قضایی شود.

دو نکته در این خصوص شایان ذکر است: **نخست** اینکه «هزینه» در معنی وسیع خود شامل «هزینه فرصت زمانی» نیز می‌شود. در واقع، با کاهش مدت زمان تحقیقات به‌تبع هزینه‌ها نیز کاهش خواهد یافت؛ اما «زمان» به‌سبب اهمیت آن در تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی، به‌عنوان یک شاخص مستقل قید شده است؛ **دوم** اینکه با توجه به ماهیت غیرانتفاعی نظام قضایی و عدم امکان ارزش‌گذاری مادی اهداف والای آن به‌ویژه در پرونده‌های مهمی همچون قتل عمدی و نیز عدم شفافیت هزینه‌های رسیدگی به پرونده‌ها و همچنین ثابت بودن هزینه منابع انسانی، موضوع هزینه‌ها در پژوهش حاضر چندان مورد تأکید نیست. البته فرض کلی بر این است که رفع چالش‌ها در

۱. در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، این موضوع مورد توجه قرار گرفته است.

هر حال موجب کاهش هزینه‌ها نیز خواهد شد و این موضوع به‌منزله یک مطلوب و نه لزوماً یک هدف، بی‌شک مورد توجه خواهد بود.

۲.۲. کارآمدی؛ ابزاری برای تحقق عدالت کیفری

اصلی‌ترین و متعالی‌ترین هدف نظام قضایی در هر جامعه‌ای برقراری عدالت است. اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز قوه قضاییه را مسئول تحقق بخشیدن به عدالت در جامعه دانسته است. درباره عدالت، چگونگی عمل عادلانه و نیز عادلانه زیستن، با ادبیات گسترده‌ای در سراسر جهان مواجهیم، تا آنجا که عده‌ای عدالت را مهم‌ترین فضیلت که سایر فضیلت‌ها نیز باید با محک آن سنجیده شوند، دانسته‌اند (آشوری، ۱۳۹۹: ۱۸۱). وقتی صحبت از کارآمدی نظام قضایی می‌شود، بی‌درنگ این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا کارآمدی و عدالت قابل جمع هستند؟ برای پاسخ به این پرسش، بدو توضیح این مطلب ضروری است که در علوم اقتصاد و مدیریت، در کنار اصطلاح «کارآمدی» اصطلاح دیگری تحت عنوان «اثربخشی» وجود دارد که مفهومی متفاوت از کارآمدی دارد؛ میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده را اثربخشی می‌گویند. در ادبیات علم مدیریت، اثربخشی یعنی انجام کار درست و کارآمدی به معنی انجام درست کار است. به بیان دیگر، اثربخشی به‌بار نشستن آثار کارآمدی یا حاصل آن است، در واقع می‌توان کارآمدی را مقدمه و ابزاری برای رسیدن به اثربخشی قلمداد کرد (دادگر، ۱۳۸۶: ۱۰۸). بنابراین کارآمدی یک سیستم صرفاً زمانی مطلوب است که با اثربخشی توأم باشد؛ اگر کارآمدی را معادل کاهش هزینه‌ها در نظر بگیریم، اثربخشی به معنی رسیدن به اهداف موردنظر سیستم است. به‌ویژه در نظام قضایی که هدف غایی آن تحقق عدالت است، کارآمدی باید به‌عنوان ابزاری در جهت تحقق دادرسی عادلانه باشد.

وقتی صحبت از دادرسی عادلانه در پرونده‌های کیفری می‌شود، هم عدالت شکلی و هم عدالت ماهوی مدنظر است؛ منظور از عدالت شکلی (یا عدالت فرایندی یا عدالت طبیعی) رعایت قواعد دادرسی منصفانه در فرایند رسیدگی به پرونده‌هاست که بر دو اصل مهم «بی‌طرفی قاضی» و «حق متهم بر شنیده شدن دفاعیات و دلایل اش» استوار است و می‌توان آن را با قاعده انصاف نیز مترادف دانست (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۰: ۲۵۵-۲۵۷). اما مراد از عدالت ماهوی (یا عدالت مکفاتی) تعدیل وضعیت پیش‌آمده بر اثر ارتکاب جرم است. اصلاح و تصحیح وضعیت ناعادلانه پیش‌آمده، موضوع اصلی این عدالت است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۰: ۲۵۸). به عبارت خلاصه‌تر، عدالت ماهوی به معنی کيفردهی عادلانه است.

به عقیده برخی اندیشمندان، تعارض جدی بین کارآمدی و عدالت وجود دارد، ولی عده‌ای دیگر، افزایش کارایی را ابزاری مناسب برای وصول به هدف عالی عدالت می‌دانند و معتقد به پیوند میان کارآمدی و کیفیت و دقت در فرایند کیفری هستند^۱ (قاسمی و فرجیها، ۱۳۹۴: ۳۲ و ۳۹). بی‌تردید لزوم رعایت مدت معقول در رسیدگی‌های کیفری و اجرای عدالت در کوتاه‌ترین مهلت ممکن از وجوه اساسی دادرسی کیفری و از مؤلفه‌های اساسی حق دادرسی عادلانه است؛ نظام قضایی باید بی‌گناه را بدون تأخیر حمایت کند، همان‌گونه که حکم مجازات بزهکاران را هم باید بدون تأخیر صادر کند (وطنی و نرگسیان، ۱۳۹۷: ۳۶۴). از دیدگاه دیوان اروپایی حقوق بشر، سه قاعده انصاف، محاکمه علنی و تسریع در محاکمه از قواعد اساسی دادرسی کیفری عادلانه به حساب می‌آیند. فلسفه تسریع در فرایند دادرسی

۱. برای ملاحظه نظرهای موافقان و مخالفان و مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک:

Brown, Darryl K., "The Perverse Effects of Efficiency in Criminal Process", Virginia Law Review, Vol. 100:183, 2014.

Moisidis, Cosmas, Criminal Discovery: From Truth to the Proof and Back Again, University of Sydney Law School, Institute of Criminology Press, 2008.

کیفری، پایان دادن به اضطراب و احساس ناامنی متهم و خاتمه بخشیدن به بحران‌های روانی و اجتماعی و دیگر آثار زیانباری است که با ایراد اتهام، برای متهم و اطرافیان او به‌وجود آمده است (Bradly, 2000 به نقل از همان: ۲۶۵). از این رو ارتقای کارآمدی و به‌تبع آن، کاهش مدت زمان رسیدگی می‌تواند به عادلانه‌تر شدن فرایند دادرسی کمک کند.

جدای از موضوع مدت زمان رسیدگی، بهبود کارآمدی و به‌تبع آن کاهش هزینه‌های نظام قضایی، در برقراری عدالت اجتماعی نیز مؤثر است؛ چراکه تأمین هزینه‌های نظام عدالت کیفری در تمام جوامع به‌طور مستقیم بر عهده حاکمیت است و کاهش هزینه‌های آن می‌تواند یاریگر دولت‌ها در تخصیص بودجه به سایر امور ضروری جامعه باشد.

۳. چالش‌ها؛ شناسایی گونه‌ها و تحلیل علل ناکارآمدی

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بدو نسبت به مطالعه دقیق متن مصاحبه‌ها (بلافاصله پس از هر مصاحبه) و کدگذاری نکات اصلی و استخراج مفاهیم از متن مصاحبه‌ها اقدام شده و سپس با در نظر گرفتن محتوای کدها و تناسب و ارتباط موضوعی مفاهیم استخراجی و نیز استفاده از نظرهای خبرگان و البته تجارب شخصی محقق، به طبقه‌بندی کدها اقدام شده است. در این زمینه، ابتدا برای هریک از داده‌های مندرج در متن مصاحبه‌ها یک کد عددی اختصاص یافت و سپس برای داده‌های مشابه، یک کد مفهومی (عنوان) انتخاب شد. در نهایت، در مجموع ۳۶۱ کد عددی استخراج شد که با توجه به تشابهات موجود بین داده‌ها، ذیل ۴۰ عنوان کدگذاری شد (کدگذاری باز). جدول ۱ بخش‌هایی از یافته‌های حاصل از ۵۰ مصاحبه را بر اساس نمونه‌هایی از متن مصاحبه‌ها و کدگذاری داده‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۱. نمونه‌هایی از متن مصاحبه‌ها و کدگذاری داده‌ها (کدگذاری باز)

کد عددی	متن مصاحبه (داده‌های خام)	کد مفهومی
۱۰۱	یک مسئله مهم این است که پرونده‌های قتل عمدی درصد بسیار کمی از کل جرایم را تشکیل می‌دهند و حساسیت کمی در بین مدیران نسبت به این پرونده‌ها وجود دارد...	نبود حساسیت لازم نسبت به پرونده‌های قتل عمدی
۳۰۱	مشکل بزرگی که الآن در شهرستان‌ها داریم، نبود کارآگاه و بازپرس ویژه قتل است و در دادگاه‌های بخش این مشکل بیشتر هم می‌شود...	نبود بازپرس و کارآگاه مجرب در شهرستان‌های غیر مرکز استان
۴۰۶	حفظ صحنه قتل یکی از نکات کلیدی است که بر عهده عوامل کلانتری محل است، درحالی‌که اغلب هیچ‌گونه آموزشی در این زمینه ندیده‌اند...	عدم ارائه آموزش‌های لازم به مأموران انتظامی شاغل در کلانتری‌ها به‌منظور حفظ صحنه قتل
۵۰۲	متأسفانه کارآگاهان و بازپرسان ویژه قتل دسترسی مستقیم به بانک‌های اطلاعاتی در حوزه‌های مخابراتی، گذرنامه، حساب‌ها و تراکنش‌های بانکی و ... ندارند و در هر مورد باید اطلاعات مورد نیاز را از مرجع مربوطه بگیریم...	دسترسی نداشتن کارآگاهان و بازپرسان ویژه قتل به بانک‌های اطلاعاتی
۷۰۳	یکی از مشکلات مهم در مرکز تشخیص هویت، نداشتن تجهیزات جدید برای بررسی صحنه قتل است...	نبود تجهیزات نوین به‌منظور بررسی صحنه قتل و جمع‌آوری آثار مادی به‌جامانده در صحنه
۹۰۴	خیلی پیش آمده که کمی بالاتر یا پایین‌تر از محل وقوع قتل، دوربین بوده ولی در محل قتل دوربینی نبوده...	پوشش نامناسب دوربین‌های شهری
۱۲۰۲	منی که سال‌ها در اداره جنایی کار کرده‌ام، ممکن هست همین فردا بدون	جابه‌جا کردن غیرضروری بازپرسان و

هیچ دلیل و توجیهی مثلاً به اداره سرقت منتقل شوم...	کارآگاهان ویژه قتل	
با اینکه آیین‌نامه‌ای هم در خصوص نحوه بررسی صحنه جرم تصویب شده ^۱ ، ولی تا الآن که من با شما صحبت می‌کنم، در عمل اقدام مؤثری برای اجرای مفاد آن نشده...	عدم اتخاذ تدابیر لازم در جهت استانداردسازی شیوه‌های بررسی صحنه	۱۳۰۵
یک مشکل دیگر این است که دوربین‌های موجود هم به‌صورت شبکه‌ای به هم وصل نیستند و در پلیس آگاهی دسترسی مستقیم به آن نداریم...	شبکه‌ای نبودن دوربین‌های شهری و عدم دسترسی مستقیم و برخط پلیس آگاهی به آن	۱۴۱۱
یک مشکل دیگر این است که در حال حاضر در پلیس آگاهی شهرستان‌ها نیروی آموزش‌دیده در زمینه بررسی صحنه نداریم...	نبود نیروی متخصص در زمینه بررسی صحنه و اثربرداری در پلیس آگاهی شهرستان‌ها	۱۸۰۳
چرا حق کشیکی که به بازپرس ویژه قتل پرداخت می‌شود، دقیقاً مانند سایر بازپرس‌هاست؟ خود این مسئله موجب کاهش انگیزه می‌شود...	عدم پرداخت حق کشیک متناسب	۲۲۰۴
در مورد بازسازی صحنه هم مشکل داریم. برای مثال معلوم نیست آیا اولیای دم یا وکیل متهم می‌توانند حضور داشته باشند یا نه؟ یا اصلاً ارزش قضایی آن چه میزان هست؟ اینها سبب برخورد سلیقه‌ای می‌شود...	مشخص نبودن ضوابط مربوط به بازسازی صحنه قتل	۲۳۰۱
تا آنجا که من اطلاع دارم در حال حاضر ما مقرراتی در خصوص نحوه کالبدشکافی و نمونه‌برداری نداریم و به‌طور معمول پزشک معاین جسد بر اساس تجربه و سلیقه خودش عمل می‌کند...	نبود دستورالعمل جامع در خصوص نحوه انجام کالبدگشایی و کیفیات آن	۲۹۰۴
در حال حاضر پزشکان مجرب و متخصص هیچ تمایلی به کار در سالن‌های تشریح ندارند، چون دستمزد مناسبی پرداخت نمی‌شود...	عدم تأمین مالی پزشکان قانونی شاغل در سالن‌های تشریح	۳۹۰۱
یک مشکل ما در سالن تشریح این است که کالبدشکافی ضرورتاً توسط پزشکی که در صحنه قتل حضور داشته، انجام نمی‌شود و گزارشی هم از صحنه قتل در اختیار پزشک معاین نیست...	عدم انجام کالبدشکافی توسط پزشک قانونی حاضر در صحنه قتل	۴۲۰۱

پس از کدگذاری باز به شرح جدول ۱، وارد مرحله کدگذاری محوری شده و چالش‌های شناسایی‌شده، با توجه به نوع و ماهیت آن و تناسب و ارتباط موضوعی بین آنها، در پنج حوزه اصلی طبقه‌بندی شدند که عبارت‌اند از: ۱. چالش‌های مدیریتی، ۲. چالش‌های ناظر بر نیروی انسانی، ۳. چالش‌های ناظر بر امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، ۴. چالش‌های ناظر بر رویه‌های موجود و ۵. چالش‌های ناظر بر قوانین موضوعه.

۳. ۱. مدیریت ناکارآمد؛ چالشی بزرگ در برابر کارآمدی سازمان

در هر مجموعه و سازمانی، مدیریت آن سازمان نقش اساسی در موفقیت و ارتقای کارآمدی آن دارد. ماهیت فراگیر و نقش چشمگیر مدیریت در تعیین موفقیت سازمان‌ها بر کسی پوشیده نیست؛ شاهد این مدعا تقاضای فزاینده برای مدیران اثربخش و ترک یا جابجایی مدیران شایسته از سازمانی به سازمان دیگر است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۱۸). چهار وظیفه اصلی مدیریت عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل. این کارکردها در ایجاد، اجرا و تحقق اهداف سازمانی با هم کار می‌کنند (طالقانی و افقهی، ۱۴۰۱: ۳۸). در مصاحبه‌های صورت‌گرفته، هرچند مصاحبه‌شوندگان (افسران پلیس آگاهی، پزشکان قانونی و بازپرسان) از بیان مطالب صریح در خصوص ایرادات موجود در عملکرد مدیران مجموعه خودداری می‌کردند، با وجود این در موارد متعددی در متن مصاحبه‌ها به‌صورت ضمنی به وجود نقص در عملکرد مدیران مربوط و تأثیر آن بر کارآمدی سازمان متبوعه اشاره شده است؛ برای نمونه ۱. افسر پلیس آگاهی با ۲۵ سال سابقه خدمت در قسمتی از مصاحبه خود بیان کرده: ... در قتل‌هایی که بازتاب رسانه‌ای دارند، رئیس پلیس آگاهی فوراً اقدام به مصاحبه می‌کند و

۱. منظور مصاحبه‌شونده، آیین‌نامه «حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم» مصوب ۱۳۹۶/۰۶/۲۹ است.

بعضاً با افشای اطلاعات پرونده زحمات ما را بر باد می‌دهد؛ ۲. بازپرس با ۱۳ سال سابقه در مصاحبه خود به عدم پرداخت حق کشیک متناسب اشاره کرده و آن را موجب بی‌انگیزگی خود بیان کرده است. آنچه از تحلیل داده‌های مصاحبه برمی‌آید اینکه فقدان تخصص و تجربه کافی نزد مدیران و عدم همفکری ایشان با کارکنان زیرمجموعه در جهت پیشبرد امور و نیز سپری نکردن دوره‌های آموزشی تخصصی به‌منظور احراز پست‌های مدیریتی و در کل عدم حاکمیت نظام شایسته‌سالاری و استفاده از مدیران کارنابلد و نالایق که البته متأسفانه در کل سیستم اداری کشور ساری و جاری است، تأثیر بسزایی در ناکارآمدی عملکرد سازمان متبوع دارد. با توجه به کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه و با در نظر گرفتن نوع و ماهیت چالش‌ها و تناسب و ارتباط موضوعی بین آنها و با توجه به اینکه از جمله وظایف اصلی مدیران هر مجموعه، استفاده بهینه و حداکثری از منابع موجود و اتخاذ رویکردهای صحیح در راستای پیشبرد اهداف سازمان و افزایش انگیزه کارکنان است، چالش‌هایی که مربوط به عملکرد مدیران دادسرا، پلیس آگاهی و پزشکی قانونی است، با عنوان «چالش‌های مدیریتی» طبقه‌بندی شده‌اند؛ جدول ۲ نشان‌دهنده چالش‌های مدیریتی در فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی است.

جدول ۲. چالش‌های مدیریتی

ردیف	چالش	فراوانی بر مبنای کدگذاری مصاحبه‌ها
۱	نبود حساسیت لازم نسبت به پرونده‌های قتل عمدی	۴
۲	تعییل در انتشار نتیجه تحقیقات	۳
۳	تأثیرپذیری از فشار رسانه‌ای	۳
۴	عدم تأمین مالی پزشکان قانونی شاغل در سالن‌های تشریح	۵
۵	جابه‌جا کردن غیرضروری بازپرسان و کارآگاهان ویژه قتل	۱۲
۶	پرداخت نکردن حق کشیک متناسب	۱۵
۷	ارجاع مأموریت‌های غیرمرتبط به کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی	۸
۸	عدم اتخاذ تدابیر لازم در جهت استانداردسازی شیوه‌های بررسی صحنه	۱۱

۳. ۲. ناکارآمدی در پرتو فقدان نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده

به‌جرات می‌توان گفت نیروی انسانی مهم‌ترین سرمایه هر سازمانی است که نحوه به‌کارگیری آن برای حصول حداکثر کارایی و بهره‌وری از پیچیده‌ترین مشکلات موجود است. در واقع اگر بین اهداف فردی و سازمانی تطابق وجود نداشته باشد، نیروی انسانی به عاملی بازدارنده تبدیل خواهد شد (رشیدی و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۱). نیروی انسانی به عنوان مهم‌ترین رکن و سرمایه هر سازمان نقش کلیدی در رسیدن به اهداف آن سازمان دارد و ویژگی‌های منفی منابع دیگر مانند فناپذیری، قابلیت تقلید و غیره را ندارد. بنابراین امروزه توسعه منابع انسانی یکی از مهم‌ترین راهبردهای هر سازمانی محسوب می‌شود (تذکری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۵).

در مصاحبه‌های صورت‌گرفته بارها به فقدان یا کمبود کارکنان متخصص در پلیس آگاهی، پزشکی قانونی و دادسرا اشاره شده است؛ برای مثال در یکی از مصاحبه‌ها (قاضی دادگاه کیفری یک با ۱۸ سال سابقه) به نبود کارآگاه و بازپرس و پزشک قانونی مجرب در شهرستان‌های غیرمرکز استان اشاره شده، البته در خیلی از مصاحبه‌ها نیز این مطلب تکرار شده است. در مصاحبه دیگری (افسر

پلیس آگاهی با ۱۲ سال سابقه) از عدم آموزش به مأموران کلانتری جهت حفظ صحنه قتل انتقاد شده است که می‌تواند به از بین رفتن آثار جرم منجر شود.

بدیهی است نبود کارکنان مجرب و آموزش‌دیده آن هم در پرونده‌ای با موضوع قتل عمدی که نیازمند تحقیقات فنی و تخصصی است، می‌تواند مانعی بزرگ بر سر راه کشف حقیقت باشد. ضمن آنکه علاوه بر تخصص و تجربه، داشتن ویژگی‌های ذاتی مانند تیزهوشی و جزئی‌نگری نیز ضروری به‌نظر می‌رسد. با توجه به داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان و کدگذاری داده‌ها، چالش‌های مربوط به نیروی انسانی که می‌تواند موجب ناکارآمدی فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی شود، به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳. چالش‌های ناظر بر نیروی انسانی

ردیف	چالش	فراوانی بر مبنای کدگذاری مصاحبه‌ها
۱	نبود بازپرس و کارآگاه و پزشک قانونی مجرب در شهرستان‌های غیر مرکز استان	۲۰
۲	نبود کارکنان متخصص در زمینه مسائل رایانه‌ای و مخابراتی در اداره مبارزه با جرایم جنایی	۹
۳	فقدان نیروی متخصص در زمینه بررسی صحنه و اثربرداری در پلیس آگاهی شهرستان‌ها	۷
۴	عدم ارائه آموزش‌های لازم به مأموران انتظامی شاغل در کلانتری‌ها به‌منظور حفظ صحنه قتل	۱۲
۵	عدم دسترسی مستقیم بازپرس ویژه قتل به روانکاو و مددکار اجتماعی	۳
۶	ناآشنایی اغلب بازپرسان و حتی کارآگاهان با شیوه‌های بازجویی علمی و فنی	۶

۳.۳. نبود امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و تأثیر آن بر کارآمدی

پرواضح است که در کنار وجود منابع انسانی متخصص و کارآمد، وجود امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در جهت کشف جرایم و تعقیب و مجازات مجرمان، آن هم در جرایم مهمی مانند قتل عمدی، کاملاً ضرورت دارد. امروزه با توجه به پیشرفت‌های فناورانه و به‌ویژه ظهور و گسترش شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها و استفاده مجرمان از این ابزارها، تردیدی در ضرورت مجهز شدن نظام عدالت کیفری به فناوری و امکانات نوین وجود ندارد. وجود امکانات لازم به‌منظور بررسی علمی و کارشناسانه صحنه‌های قتل مانند ابزارهای نوین اثربرداری و ثبت و ضبط آثار مادی به‌جامانده در صحنه، امکانات مربوط به معاینه و کالبدگشایی اجساد، ابزارهای نوین جهت بررسی دقیق نمونه‌های سم‌شناسی و آسیب‌شناسی و نیز امکانات رایانه‌ای و مخابراتی و ... جزو ضرورت‌های تحقیق در پرونده‌های قتل عمدی است.

۳.۳.۱. امکانات سخت‌افزاری

وجه مشترک بسیاری از مصاحبه‌های صورت‌گرفته، اشاره به فقدان یا کمبود امکانات مورد نیاز در فرایند تحقیقات است. با توجه به کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه با قضات، کارآگاهان پلیس آگاهی و پزشکان قانونی، چالش‌های متعددی در زمینه امکانات سخت‌افزاری در فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی شناسایی شد که طی جدول ۴ به این چالش‌ها اشاره می‌شود.

جدول ۴. چالش‌های ناظر بر امکانات سخت‌افزاری

ردیف	چالش	فراوانی بر مبنای کدگذاری مصاحبه‌ها
۱	نبود تجهیزات نوین به‌منظور بررسی صحنه قتل و جمع‌آوری آثار مادی به‌جامانده در صحنه	۱۲
۲	فقدان امکانات و تجهیزات لازم جهت بررسی ادله الکترونیکی	۷
۳	نبود اتاق بازجویی مناسب و استاندارد و کمبود سایر امکانات اولیه	۹
۴	فقدان تجهیزات مربوط به آزمایش‌های DNA	۶
۵	پوشش نامناسب دوربین‌های شهری	۱۵
۶	نبود دستگاه‌های سی‌تی‌اسکن و رادیوگرافی	۳
۷	نبود امکانات نوین تشخیص و ردیابی سموم و داروها	۱۰

۲.۳.۳. امکانات نرم‌افزاری

جدول ۵ نشان‌دهنده چالش‌های ناظر بر امکانات نرم‌افزاری است که در ناکارآمدی فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی مؤثر است.

جدول ۵. چالش‌های ناظر بر امکانات نرم‌افزاری

ردیف	چالش	فراوانی بر مبنای کدگذاری مصاحبه‌ها
۱	دسترسی نداشتن کارآگاهان و بازپرسان ویژه قتل به بانک‌های اطلاعاتی	۲۵
۲	شبه‌ای نبودن دوربین‌های شهری و عدم دسترسی مستقیم و برخط پلیس آگاهی به آن ^۱	۱۵
۳	نبود بانک اطلاعات ژنتیک	۶

۴.۳. وجود رویه‌های نادرست در فرایند تحقیقات

منظور از رویه‌ها، شیوه‌هایی است که در جریان تحقیقات مقدماتی اعم از بررسی صحنه، کالبدشکافی، تحقیق از متهم، صدور دستورهای قضایی و بازسازی صحنه مورد عمل قرار می‌گیرد. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها مبین آن است که اغلب رویه‌های جاری در فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی نادرست یا سلیقه‌ای است و ضرورت بازنگری و تنظیم مقررات مخصوص در جهت نظام‌مند شدن این رویه‌ها مشهود است. برای نمونه در یکی از مصاحبه‌ها (پزشک قانونی با ۲۸ سال سابقه) چنین عنوان شده است: وقتی من جسدی را در صحنه قتل معاینه می‌کنم، اولاً معلوم نیست حتماً خودم جسد را کالبدگشایی کنم و ثانیاً کالبدشکافی بلافاصله پس از انتقال جسد به پزشکی قانونی صورت نمی‌گیرد و موکول به وقت اداری می‌شود. با توجه به داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان و کدگذاری داده‌ها، چالش‌های مرتبط با رویه‌های جاری در فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی به شرح جدول ۶ است.

۱. در بند الحاقی ۳ ماده ۱۰۳ قانون برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که در مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی است، پیش‌بینی شده که دسترسی به کلیه دوربین‌های منصوبه از سوی شهرداری‌ها و وزارت راه در معابر و میادین اصلی و بزرگراه‌ها باید به‌صورت برخط در اختیار فرماندهی انتظامی قرار گیرد.

جدول ۶. چالش‌های ناظر بر رویه‌های موجود

ردیف	چالش	فراوانی بر مبنای کدگذاری مصاحبه‌ها
۱	عدم انجام نمونه‌برداری‌های اولیه سم‌شناسی توسط پزشک قانونی در صحنه قتل	۷
۲	عدم انجام کالبدشکافی بلافاصله پس از انتقال جسد به پزشکی قانونی	۵
۳	عدم انجام کالبدشکافی توسط پزشک قانونی حاضر در صحنه قتل	۱۰
۴	حضور نداشتن بازپرس در زمان معاینه جسد	۸
۵	نبود دستورالعمل جامع در خصوص نحوه کالبدگشایی و کیفیات آن	۷
۶	صدور جواز دفن توسط پزشکان عمومی	۴
۷	الزام پزشکی قانونی به اظهارنظر با معاینه ظاهری	۵
۸	مشخص نبودن ضوابط مربوط به بازسازی صحنه قتل	۹

۳. ۵. ناکارآمدی در پرتو قوانین کیفری ماهوی و شکلی

ناگفته پیداست که قانون موتور محرک نظام عدالت کیفری است و هرگونه اقدام از سوی کارگزاران این نظام باید مستند به قوانین موضوعه باشد، امری که تحت عنوان اصل قانونی بودن جرم و مجازات شناخته شده است. بدیهی است پیش‌نیاز اصلی کارآمدی نظام عدالت کیفری وجود قوانین شفاف، استاندارد و منطبق با موازین و اصول حقوق کیفری است که دربرگیرنده حقوق متهم و بزه‌دیده بوده و عادلانه بودن فرایند دادرسی کیفری را تضمین کند. طبقاً ابهام در مواد قانونی یا عدم انطباق قوانین با اصول و موازین حقوقی به ناکارآمدی فرایند دادرسی منجر خواهد شد.

در مصاحبه‌های صورت‌گرفته با قضات و استادان حقوق کیفری به موارد متعددی از ابهام یا نقص در مواد قانونی (اعم از شکلی و ماهوی) اشاره شده که در عمل موجب سردرگمی قضات و تفسیرهای شخصی و در نهایت ناکارآمدی فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی می‌شود که نمونه‌هایی از آن بیان می‌شود: ۱. بازپرس با ۱۰ سال سابقه به موضوع ماده ۳۵۶ ق.م.ا اشاره کرده و اینکه با وجود مواد ۷۰ و ۷۱ ق.آ.د.ک و اطلاق آن، پیش‌بینی تشریفات غیرضروری و زمان‌بر در ماده ۳۵۶ ق.م.ا صرفاً موجب اطاله دادرسی (بعضاً تا چند ماه) می‌شود. ضمن آنکه در اغلب موارد غبطه ولی دم محجور نیز رعایت نمی‌شود؛ ۲. استاد حقوق کیفری با ۴۵ سال سابقه تدریس به موضوع سردرگمی بازپرسان در موارد احراز لوث در پرونده‌های قتل عمدی اشاره کرده است. با این توضیح که صرف احراز لوث دلیل بر انتساب بزه به متهم نبوده و از طرفی اجرای قسامه نیز در صلاحیت دادگاه است. ازاین‌رو بازپرس در چنین وضعیتی مجاز به صدور قرار جلب به دادرسی نیست^۱ و دادگاه کیفری یک نیز بدون وجود کیفرخواست قادر به رسیدگی نیست که همین امر موجب رفت و برگشت پرونده بین دادسرا و دادگاه می‌شود. ۳- قاضی دادگاه کیفری یک با ۱۴ سال سابقه به معضلات ناشی از تعیین محدودیت دوساله برای قرار بازداشت موقت در بزه قتل عمدی (قسمت ذیل ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک) اشاره کرده که می‌تواند به فرار متهم و عدم دسترسی بعدی به وی منجر شود.

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۴۹۹۲ - ۱۳۸۸/۰۸/۱۱ اداره حقوقی قوه قضائیه حاکیست: «قضات دادسرا به محض احراز لوث بدون اظهارنظر به مجرمیت یا منع تعقیب، باید پرونده را برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم به دادگاه ذیصلاح ارسال دارند» (به نقل از: میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ۴۹۲).

ضمن آنکه با توجه به غیرقابل درک بودن این موضوع برای اولیای دم، به کاهش اعتماد عمومی (افزایش هزینه‌های اجتماعی) منجر می‌شود؛ ۴. قاضی دیوان عالی کشور با ۴۵ سال سابقه به عدم تعریف فعل نوعاً کشنده و عدم ارائه ضوابط احراز آن در ماده ۲۹۰ ق.م.ا اشاره کرده که در عمل موجب برداشت‌های سلیقه‌ای و تشتت در آرای صادره شده است. به‌طوری‌که در یک پرونده، ایراد جرح با چاقو به ناحیه ران مصداق فعل نوعاً کشنده قلمداد شده، درحالی‌که در پرونده دیگر همین عمل قتل شبه‌عمد تشخیص داده شده است و این امر علاوه بر تضییع حقوق طرفین موجب افزایش بی‌اعتمادی به دستگاه قضایی می‌شود.

تحلیل داده‌های مصاحبه در این بخش مبین آن است که نبود نگاه کلان و جامع‌نگر در مرحله تقنین، عدم تخصص افراد دخیل در امر قانونگذاری، عدم استفاده از نظرهای افراد صاحب‌نظر و مرتبط با موضوع، توجه نکردن به افکار عمومی و نیازهای واقعی جامعه و بعضاً وجود نگاه‌های سیاسی و جناحی، به ناکارآمدی قوانین کیفری منجر شده است. چالش‌های شناسایی شده در زمینه قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح جدول‌های ۷ و ۸ است.

جدول ۷. چالش‌های ناظر بر قانون آیین دادرسی کیفری

ردیف	چالش	فراوانی بر مبنای کدگذاری مصاحبه‌ها
۱	عدم تعیین محدودیت زمانی برای تعیین وکیل تسخیری	۶
۲	محدودیت دوساله مقرر برای بازداشت موقت در جرم قتل عمدی	۱۸
۳	ابهام در تکلیف دادسرا در موارد تحقق لوٹ در پرونده‌های قتل عمدی	۵
۴	لزوم مکاتبه با دادستانی کل کشور در خصوص اعلام مراتب ممنوع‌الخروجی متهمان	۷

جدول ۸. چالش‌های ناظر بر قانون مجازات اسلامی

ردیف	چالش	فراوانی بر مبنای کدگذاری مصاحبه‌ها
۱	مشخص نبودن مفهوم رشد و کمال عقل و نحوه احراز آن	۱۵
۲	ابهام در مصادیق «فعل نوعاً کشنده» و ضوابط احراز آن	۹
۳	مبهم بودن مفهوم «مسلوب‌الاختیاری» و مشخص نبودن سازوکار تشخیص آن	۷
۴	پیش‌بینی تشریفات غیرضرور و زمان‌بر در خصوص ولی‌دم صغیر یا مجنون فاقد ولی قهری	۱۳

۴. نتیجه

با توجه به تعریف ارائه‌شده از کارآمدی در علم اقتصاد، دو شاخص کاهش مدت زمان رسیدگی به پرونده‌ها و کاهش هزینه‌های رسیدگی به عنوان مؤلفه‌های کارآمدی در نظام عدالت کیفری قلمداد می‌شود. ارتقای کارآمدی به‌نظر ممکن است در نگاه اول با تحقق عدالت کیفری در تعارض باشد، اما با نگاهی عمیق‌تر درمی‌یابیم که تعارضی بین این دو مفهوم وجود ندارد، بلکه کارآمدی ابزاری مناسب برای نیل به عدالت است؛ چراکه اولاً رعایت «مدت معقول» در رسیدگی‌های کیفری، از مؤلفه‌های

اساسی دادرسی عادلانه است و مآلاً بهبود کارامدی و به تبع آن کاهش زمان رسیدگی، به عادلانه‌تر شدن فرایند دادرسی کیفری منجر می‌شود؛ ثانیاً ارتقای کارامدی نظام قضایی موجب کاهش هزینه‌های دولت می‌شود که می‌تواند در برقراری عدالت اجتماعی مؤثر باشد.

بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه با افراد خبره، کارامدی فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی با چالش‌های عدیده‌ای در حوزه‌های مدیریت، منابع انسانی، امکانات، رویه‌ها و قوانین مواجه است که در یک نگاه کلان، سرمنشأ تمام این چالش‌ها فقدان سیاستگذاری کیفری معقول و جامع‌نگر در حوزه تقنین و اجراست؛ سیاستی که در عین ارتقای کارامدی (کاهش مدت زمان و هزینه تحقیقات) بر رعایت اصول دادرسی منصفانه نیز تأکید و اهتمام داشته باشد. فقدان چنین سیاستی در حوزه قانونگذاری به تصویب قوانین مبهم و غیرشفاف منجر شده و در عمل چالش‌های عدیده‌ای را برای کارگزاران نظام عدالت کیفری و نیز متهمان و بزه‌دیدگان فراهم می‌آورد. در حوزه اجرایی نیز نبود یا کمبود نیروی انسانی متخصص و امکانات مورد نیاز و اتخاذ تدابیر و رویه‌های نادرست می‌تواند موجب از بین رفتن ادله جرم و فرار مجرمان از چنگال عدالت شود. علاوه بر آن و در سطحی کلان‌تر موجب کاهش مقبولیت نظام کیفرگذاری و کيفردهی در میان آحاد جامعه (افزایش هزینه‌های اجتماعی) می‌شود.

در سیاستگذاری کیفری معقول ضمن توجه و اهتمام به کشف جرم مبتنی بر یافته‌های علمی دقیق، حقوق متهم در مراحل مختلف دادرسی تضمین و رعایت می‌شود. بدیهی است اتخاذ سیاست کیفری معقول نیازمند مطالعات علمی و آگاهی‌بخشی به سیاستگذاران کیفری است؛ به گونه‌ای که در مرحله تقنین، با بهره‌گیری از نظرهای متخصصان و افراد صاحب‌نظر و نیز تجارب کشورهای دیگر، قوانین کیفی، استاندارد، شفاف و دربرگیرنده حقوق متهم و بزه‌دیده تصویب شود و در مرحله اجرا نیز، ضمن بهینه‌سازی روش‌های مدیریتی، استفاده از نیروی انسانی متخصص، فراهم آوردن امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز و استفاده از تجهیزات نوین کشف جرم، از اتخاذ تدابیر و رویه‌هایی که موجب ائتلاف وقت و هزینه می‌شود، جلوگیری به عمل آید. به عبارت دیگر، بهبود کارامدی باید به گونه‌ای باشد که ضمن کاهش زمان و هزینه، عادلانه بودن فرایند دادرسی نیز تضمین شود (اثربخشی)؛ به نحوی که احتمال مجازات افراد بی‌گناه یا عدم مجازات افراد گناهکار به حداقل ممکن برسد.

حال با توجه به نظرهای خبرگان و نیز تجربه شخصی محقق در زمینه رسیدگی تخصصی به پرونده‌های قتل عمدی، راهکارهایی به شرح ذیل در جهت ارتقای کارامدی فرایند تحقیقات مقدماتی پرونده‌های قتل عمدی ارائه می‌شود:

- فراهم کردن نیروی انسانی متخصص و امکانات لازم و تخصیص بودجه مکفی جهت اجرای مواد ۴ و ۶ آیین‌نامه «حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم» و به‌ویژه پیش‌بینی سازوکاری جهت هماهنگی سریع با بازپرس و اعضای گروه بررسی صحنه، به نحوی که در کمترین زمان ممکن در صحنه قتل حضور یابند؛
- دستورالعمل یا شیوه‌نامه الزام‌آوری برای انتخاب بازپرسان و کارآگاهان ویژه قتل و پزشکان قانونی شاغل در سالن‌های تشریح تدوین شود و استانداردهای خاص شامل سابقه کار معین، بهره‌هوشی بالا، توانمندی‌های ذاتی و ویژگی‌های شخصیتی خاص مثل تیزی و جزئی‌نگری و نیز گذراندن دوره‌های آموزشی خاص، در نظر گرفته شود؛
- متمایز کردن جایگاه شغلی بازپرسان و کارآگاهان ویژه قتل و پزشکان قانونی شاغل در سالن‌های تشریح و در نظر گرفتن امتیازات مالی و اداری خاص برای ایشان؛

- ایجاد سمت قضایی «بازپرس ویژه قتل» و صدور ابلاغ مستقیم از سوی رئیس قوه قضاییه و تعیین صلاحیت منطقه‌ای برای بازپرسان ویژه قتل همانند محاکم کیفری یک (با اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری)، به نحوی که در هر استان، به تناسب وسعت و جمعیت آن، چند شعبه بازپرسی ویژه قتل در نقاط مختلف استان تأسیس شود و در آن مناطق، کارآگاهان ویژه قتل و پزشک قانونی مجرب با امکاناتی از قبیل سالن تشریح و تجهیزات کامل بررسی صحنه نیز پیش‌بینی شود؛
- تدوین دستورالعمل یا آیین‌نامه جامع در زمینه تشریفات و نحوه کالبدشکافی و نمونه‌برداری و افرادی که حضورشان در حین معاینه جسد (قبل از کالبدشکافی) ضرورت دارد (بازپرس، کارشناس اسلحه و کارشناسان دیگر به فراخور نحوه ارتکاب قتل) و الزام به انجام کالبدشکافی توسط حداقل دو پزشک قانونی که یکی از آنها لزوماً پزشک حاضر در صحنه قتل باشد و نیز پیش‌بینی لزوم انجام کالبدشکافی بلافاصله پس از انتقال جسد به پزشکی قانونی و ...؛
- توسعه دوربین‌های شهری و تکمیل محدوده پوشش آنها و نیز شبکه‌ای شدن دوربین‌ها و دسترسی برخط پلیس آگاهی به آن؛
- لزوم نظارت بیشتر و سختگیرانه‌تر از سوی سازمان نظام پزشکی و پزشکی قانونی در خصوص موضوع صدور جواز دفن؛
- تدوین ضوابط مربوط به بازسازی صحنه در قالب اضافه کردن ماده یا موادی به آیین‌نامه «حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم»؛
- اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری و پیش‌بینی محدودیت زمانی برای انتخاب وکیل تسخیری؛
- تجویز امکان صدور قرار جلب به دادرسی در موارد تحقق لوث با الحاق یک تبصره به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری.

منابع

الف) فارسی

۱. آشوری، محمد (۱۳۹۹). انصاف به‌منزله عدالت. مجموعه مقالات عدالت کیفری (۲)، چ سوم، تهران: دادگستر.
۲. بابایی، ایرج (۱۳۸۶). مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق. پژوهش حقوق و سیاست، (۲۳)، ۶۰-۱۳.
۳. تذکری، نعیمه؛ فیضی، محمد؛ رسولی، اسحاق (۱۳۹۹). تدوین الگوی توسعه فردی منابع انسانی و بررسی تأثیر آن بر عملکرد سازمانی. فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، (۲۴)، ۸۴-۱۰۶.
۴. جبارزاده، یونس (۱۳۹۲). شناسایی شاخص‌های مؤثر در سنجش بهره‌وری کارکنان، مطالعه موردی بازرسی کل ناجا. فصلنامه نظارت و بازرسی، (۲۴)، ۷۲-۵۵.
۵. حریری، نجلا (۱۳۹۶). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. چ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۶. خالقی، علی (۱۴۰۳). آیین دادرسی کیفری. ج اول، چ چهل و نهم، تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
۷. دادگر، یداله (۱۳۸۶). مروری بر تحولات مقوله کارایی در ادبیات اقتصادی. پژوهش حقوق و سیاست، (۲۳)، ۱۴۲-۱۰۳.
۸. دانایی‌فرد، حسن؛ مرتضوی، لیلا؛ فانی، علی‌اصغر؛ آذر، عادل (۱۳۹۴). فهم شناختی مدیران از اثربخشی مدیریتی. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۳(۲)، ۳۱۷-۳۴۲.
۹. رابینز، استیفن پی (۱۴۰۱). تئوری سازمانی. ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، چ پنجاه و سوم، تهران: صفار.

۱۰. رشیدی، محمدمهدی؛ فرهادی، سیدمحمد؛ اصیلی، غلامرضا (۱۳۷۵). نیروی انسانی و توسعه تحقیقات صنعتی. مجله تدبیر، (۶۹)، ۲۱-۵۵.
۱۱. طالقانی، غلامرضا؛ افقهی، علی‌اکبر (۱۴۰۱). تئوری‌های مدیریت. چ بیست‌وچهارم، تهران: مدرسان شریف.
۱۲. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۰). تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر. تحقیقات حقوقی، ۴(۳۳)-۳۴، ۲۶۵-۲۰۹.
۱۳. قاسمی، حمید و همکاران (۱۳۹۹). مرجع پژوهش. تهران: اندیشه آرا.
۱۴. قاسمی، راضیه؛ فرجیها، محمد (۱۳۹۴). چالش عدالت و کارایی در گفتمان مدیریت‌گرایی کیفری. آموزه‌های حقوق کیفری، (۹)، ۲۹-۵۴.
۱۵. کریمی، صدیقه؛ نصر، احمدرضا (۱۳۹۲). روش‌های تجزیه‌وتحلیل داده‌های مصاحبه. عیار پژوهش در علوم انسانی، (۷)، ۷۱-۹۴.
۱۶. کوشکی، غلامحسن (۱۴۰۱). آیین دادرسی کیفری. ج ۱، چ دوم، تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۷. لطفی، حسن (۱۳۹۷). کارایی اقتصادی و دخالت دولت در قراردادهای دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۳(۸۱)، ۱۶۶-۱۳۹.
۱۸. معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. چ هشتم، تهران: سپهر.
۱۹. میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۳). جرایم علیه تمامیت جسمانی/اشخاص. چ سی‌وچهارم، تهران: میزان.
۲۰. وطنی، امیر؛ نرگسیان، محمد (۱۳۹۷). جایگاه اصل رسیدگی در مدت معقول در فرایند کیفری. دیدگاه‌های حقوق قضایی، (۸۴)، ۲۶۳-۲۸۲.

ب) انگلیسی

21. Bradly, A. (eds). (2000). *European human rights law: text and materials*. 2nd edition. oxford University Press.
22. Brown, D. K. (2014). The Perverse Effects of Efficiency in Criminal Process. *Virginia Law Review*. Vol. 100:183.
23. Moisisdis, C. (2008). *Criminal Discovery: From Truth to the Proof and Back Again*. University of Sydney Law School. Institute of Criminology Press.